

بسم الله الرحمن الرحيم!

نقش جهانی امت اسلامی در گرو دولتی بسان دولت رسول الله صلی الله علیه وسلم است

(ترجمه)

أبو مالك، نائز سلامة

حمد و سپاس الله سبحانه و تعالی را که صاحب کرم و بخشش، قدرت و نیرومندی، صاحب فضل عطاء و آفریننده زمین و آسمان است؛ پروردگاری که اسلام را به نصرت خود عزت، شرک را به قهر و چیرگی خود ذلت داده، تمام امور در تحت قبضه و تصرف او قرار دارد که به میزان افزایش شکر، بر نعمت هایش می افزاید و کفار را به مکر خویش در استدراج فرو برده است؛ ذات قاهری که بالای سر بندگان خود قرار داشته، در برابر قهر و غلبه اش هیچ مانعی وجود ندارد و چیره دستی که بر خلقت اش هیچ حریفی ندارد، آن چه را بخواهد فرمان می دهد و فرمان اش هیچ بازگشتی ندارد؛ بر آن چه اراده کند، حکم می کند و حکم اش هیچ بازخواستی ندارد؛ ثروت مندی که همه نیازمند او می باشند؛ نیرومندی که هیچ تکیه کننده بر او ضرری نمی کند؛ از شریک، همسر و فرزند بی نیاز است. الله سبحانه و تعالی از هرگونه ضد، سیال و شریک منزّه می باشد؛ بزرگ تر از آن است که همانند، همکار و یا همتایی داشته باشد؛ اولی است که ابتدایی ندارد، آخری است که انتهایی ندارد؛ ذاتی است که هم شأنی برایش وجود نداشته، هیچ چیزی مانند او نیست و به هیچ چیز شباهت ندارد.

پروردگارا! رحمت تو بر سرور و امام ما محمد صلی الله علیه و علی آله وسلم باد، کسی که در روز موعود مقام محمود ویژه اوست، کسی که پرچم اش همواره برافراشته بوده و برایش وعده ورود به حوض کوثر داده شده است. در اولین و آخرین از ازل تا رستاخیز، رحمتی که نسبت به تو رضاء و در حق او اداء باشد، برایش وسیله و مقامی که وعده داده اید، عطاء فرما! بار الها! به سرور ما محمد و آل او رحمتی بفرست که لیاقت و استحقاقش را دارد؛ رحمتی که سزاوار عظمت، شرف و کمال او و رضایت تو از وی باشد، هر آن چه را تو دوست داری و رضایت تو در آن است (بهترین و کامل ترین رحمت ها و بیش ترین سلامتی را) همواره برایش عنایت فرما!

اما بعد، در خصوص چهارچوکاتی می اندیشیدم که سخنرانی ام را در آن قرار دهم، سخنرانی که برای ارائه آن مسافت ده ها هزار کیلومتر را پشت سر گذاشتم. هر باری که معلومات جدیدی در زمینه، جمع آوری و آن را منسجم می کردم، متوجه می شدم که یکی دیگر از پیام های سرنوشت ساز یادبود هجرت عطرآگین، از رشته سخن جامانده است. متوجه شدم و جای دارد که این پیام بیانیه برای بیان نقش امت اسلامی در دنیا قرار گیرد، جای دارد که برای بیان آن کنفرانس مناسبی برگزار شود و یا این که می شود به وسیله آن ضرورت مبرم کنونی بشریت به دولت اسلامی را نشان داد؛ دولتی که پس از سقوط آن، دولت های سیکولار، لیبرال، دموکراتیک، مدنی و نظام های سرمایه داری زندگی بشریت را مورد تاخت و تاز قرار داده، خونش را مکیده و از هیچ فسادی در روی زمین دریغ نکرده اند. این جا بود که برگشت و انسجام معلومات یادشده را برهم زده و در زمینه، بیش تر تفکر می نمودم. آن انسجام را بر هم می زدم و دو باره تفکر می نمودم، زیرا قضیه سرنوشت ساز امت اسلامی پاره نانی نیست که در پشت آن دوید و یا این که به

دستیابی به مسکن، لباس و محیط امن خلاصه کرد، چیزی که گرگ‌های بشریت آن را از وی سلب نمودند، تاجای که برخی از فرزندان امت گمان می‌کنند برای امت جز آغوش قدرت‌های بزرگ استعماری پناه‌گاهی دیگری وجود ندارد. قدرت‌های استعماری که از تمام امکانات دست داشته‌ای خود به مقتضای منافع خود قوانین اساسی را وضع و به حمایت رژیم‌های می‌پردازند که سرزمین‌های اسلامی را در معرض غارت آن‌ها قرار دهد، می‌خواهند سقف خواست‌های سیاسیون در این سرزمین‌ها چنان ناچیز باشد که ازدویدن در پشت پاره نان، اشغال کدام چوکی حکومتی و یا به دست آوردن متاع ناچزو ذباله‌های دنیا بلندتر نرود، از قبیل کمک‌های اقتصادی، برنامه‌های مضحک و به ظاهر توسعه‌ای و یا حتی فقط خواب بهره‌برداری و دست‌رسی به حمایت و رضایت استعمارگران. در حالی که برنامه‌های توسعه‌ای سازمان ملل که آماده‌سازی قانون اساسی تونس و قوانین اساسی دیگر در سرزمین‌های اسلامی را مستقیم تحت نظارت داشته و به تمویل آن می‌پردازد، نوعی از انواع وابستگی استعماری است. وابستگی که دارائی‌های این سرزمین را به یک دست به غارت برده، برای اهل آن پس‌مانده بیش باقی نمی‌گذارند و به دست دیگرش با هرگونه آزادی خواهی از وابستگی و تسلط غرب مبارزه می‌کند، چه این خواسته‌ها فکری، سیاسی و یا نظامی باشند تا مطمئن شوند که امت اسلامی کاری به غیر از دویدن در پشت پاره نان نداشته باشد. می‌کوشند تا امت تنها به فرار از چنگ طبقه حاکم و نجات از استبداد نظام‌های ظالمی که گمان می‌کنند از حمایت کفار غرب برخوردار است و از چنگ دسته که تحت تأثیر تفکر و شیوه زندگی غرب قرار دارند، اکتفاء نمایند. به این معنی که وضعیت امت اسلامی مصداق این مقوله می‌باشد:

"یار در خانه ما گرد جهان می‌گردیم آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم".

حال پرسش این است که آیا امت اسلامی می‌تواند از کدام جایگاه و نقشی در جهان برخوردار شود؟ اگر از زاویه اصول ساختار جوامع و قانون تدافع و تنازع ملت‌ها بایگدیگر، آنچه رسول الله علیه و سلم بسیار خلاصه آن را در این حدیث جامع و کامل خویش، به روایت ثوبان، به تصویر کشانده است، نگریسته و ملاحظه گردد:

«يُوشِكُ الْأُمَمُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ كَمَا تَدَاعَى الْأَكَلَةُ إِلَى قَصْعَتِهَا، فَقَالَ قَائِلٌ: وَمَنْ قَلَّةٍ نَحْنُ يَوْمَئِذٍ؟ قَالَ: بَلْ أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ كَثِيرٌ؛ وَلَكِنَّكُمْ غَنَاءٌ كَغَنَاءِ السَّيْلِ، وَلَيَنْزِعَنَّ اللَّهُ مِنْ صُدُورِ عَدُوِّكُمْ الْمَهَابَةَ مِنْكُمْ، وَلَيَقْدِفَنَّ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ، فَقَالَ قَائِلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْوَهْنُ؟ قَالَ: حُبُّ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَةُ الْمَوْتِ»

(سنن أبي داود/ 4297، مسند أحمد/ 21890، مسند أبي داود الطيالسي/ 1085)

ترجمه: مردم به زودی باهم‌دیگر جمع شده و بر شما حمله می‌کنند، گویی که هم‌دیگر را بالای یک کاسه غذا دعوت کنند. کسی پرسید: آیا این به خاطر تعداد کم ما در آن وقت خواهد بود؟ جواب دادند: نه، شما در آن وقت زیاد خواهید بود؛ ولی شما مثل کف دریا خواهید بود که توسط یک طوفان غرق می‌شود، و الله (سبحانه و تعالی) ترس را از قلب‌های دشمنان شما برخواهد داشت و بر قلب‌های شما وهن را خواهد انداخت. کسی پرسان کرد: وهن چیست؟ رسول الله (ﷺ) جواب دادند: حب دنیا و کراهیت از مرگ.

خواهیم دانست که ملت‌ها در کشمکش‌ها و تنازعات‌شان برای رسیدن به منافع و جایگاه خویش، بسان سیل می‌باشند. حال ملتی که اصل و ماده این سیل را تشکیل می‌دهد؛ یا برای مردم رحمت و هدایت را همراه داشته، در رودخانه گوارای جاری، باعث رشد و نمو کشاورزی و گسترش دامداری می‌شود، ظلم را از میان برچیده، عدالت را به ارمغان می‌آورد و یا این که سیل ویرانگری جاری می‌سازند که طمع‌ها و شهوت‌ها را برانگیخته، ملت‌های ضعیف را بسان کف و خاشاک به هرطرفی که بخواهد حمل می‌کند، ملت‌های که در جاری سازی این سیل هیچ دخلی نداشته و همگام با آن در سمت گمراهی روان، بی‌چاره شده و چنان به سنگ و لایح‌های کشنده کوبیده می‌شود که از بنیه و اساس متلاشی شود و برایش جز بربادی چیزی دیگری باقی نماند.

قانون تدافع و تنازع و اصول ساختار جوامع ما را ناچار می‌سازد تا دارای کرسی رهبری بوده و منبع سیل باشیم تا این که رحمت و هدایت را برای بشریت با خود حمل نماییم و ملت خویش، امت اسلامی را از خاشاک شدن روی سیل بازداریم. حال از شما می‌پرسم که امت اسلامی بدون داشتن دولت اسلامی چه گونه می‌تواند که از خود در برابر دشمنانش پاسداری کند؟ پرسشی که پاسخ آن را صاحب این یادبود عطاگین - یادبود از هجرت رسول الله صلی الله علیه وسلم در این فرموده‌اش به روایت ابی الزناد از الاعرج از ابی هریره، به گونه بسیار دقیق ارائه داشته است:

«إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتِلُ مِنْ وَّرَائِهِ وَيُتَّقَى بِهِ»

ترجمه: امام یا خلیفه بسان سپری است که با آن در برابر کفار جنگ صورت گرفته و به عقب آن پناه برده می‌شود.

نووی رحمه الله در شرح این حدیث در کتاب خود شرح صحیح مسلم چنین می‌فرماید: «الْإِمَامُ جُنَّةٌ» یعنی امام مانند ستر است؛ به معنی پناهگاه و مانع؛ زیرا امام دشمن را از اذیت مسلمانان بازداشته و از این که مردم به یک دیگر ظلمی روا دارند، ممانعت می‌نماید، اسلام و سرزمین‌های اسلامی را حمایت و از جایگاه و حیثیت آن محافظت می‌کند، مردم به وسیله آن خود را در برابر تهدیدات وقایع کرده و از اقتدار آن می‌حراسند. «يُقَاتِلُ مِنْ وَّرَائِهِ» یعنی دوش بادوش امام با کفار، باغی‌ها، خوارج و سایر اهل ظلم و فساد پیکار می‌شود. حرف تاء کلمه (يُتَّقَى) مبدل از واو می‌باشد؛ زیرا این کلمه از لحاظ ساختار از کلمه (وَقَايَةً) برگرفته شده است.

آری، امام و یا خلیفه ذره یا سپر وقایعی می‌باشد که از مسلمانان محافظت می‌کند، هرگاه این ذره دور انداخته شود، سنیة امت برای اصابت تیرهای دشمنان و هجوم اراذل و اوباش و ظلم ستم‌گران برهنه می‌شود. در آن زمان است که ملت‌های دیگر بر خود اجازه می‌دهند که یگدیگر را فراخوانده و بسان گله‌ای از سگان گرسنه بر دارائی‌های امت حمله‌ور شوند. اما در خصوص کلمه «إِنَّمَا» در این فرموده رسول الله صلی الله علیه و سلم «إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ» جمهور زبان‌شناسان و علمای صرف و نحو بر این باور اند که برای حصر است؛ با ملاحظه این که برخی می‌گویند حصر آن لفظی و برخی می‌گویند حصر آن معنوی می‌باشد. بنابر این، امام که عبارت از خلیفه می‌باشد، مبنی بر حصر و تأکید به دلیل اهمیتی که نقش آن دارد، ذره وقایعی برای امت اسلامی در برابر تیرهای دشمنانش بوده و از داخل نیز از آن‌ها در برابر ناملازمات پاسداری می‌کند. این کلمه امام یعنی دولت اسلامی را برای ممانعت و پیش‌گیری از ناهنجاری‌ها منحصر ساخته است.

نقش و جایگاه امت اسلامی در جهان دنیا، قیومیت بر طرزتفکر بشر و شیوه زندگی آن می‌باشد. پروردگار جهانیان راستگوترین گویندگان چنین می‌فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾

[آل عمران: 110]

ترجمه: شما (ای امت محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید (مادامی که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید و به الله ایمان دارید.

این آیه به صورت بسیار شگفت‌آوری قیومیت و برتری امت را به اجرای امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به الله سبحانه و تعالی متعلق ساخته است. این در حالی است که ملت برتر ملتی است که بهترین بوده و از شأن والای برخوردار است؛ ملتی که دارای بیداری، ظرفیت و توانایی چشمگیری می‌باشد، زیرا کسی که از چنین واقیتی برخوردار باشد، بر روی پای خویش ایستاد بوده و جایگاه بالایی را به دست خواهد داشت. هم‌چنان ملت برتر ملتی می‌باشد که برملت‌های دیگر سروری نماید. لکن ما به خوبی این را می‌دانیم که بیداری، ظرفیت و توانایی عالی مبتنی بر مفاهیمی است که انسان آن را حمل کرده و طرز‌العمل‌های زندگی و روابط جامعه بر اساس آن تنظیم می‌شود. بنابر این، قیومیت و اداره این طرز‌العمل‌ها و روابط در پرداخت به معروف‌ترین ثوابت و اساساتی که از ایمان به الله سبحانه و تعالی منیع یافته و خودداری از منکراتی می‌باشد که الله سبحانه از پرداختن به آن‌ها نهی نموده است؛ چیزی که به معنی تطبیق نظام اسلام بالایی فرد، جامعه و دولت می‌باشد. زمانی که امت اسلام بر همین منوال در مسیر خویش ادامه دهد، بدون هیچ تردیدی در جایگاه ولای خویش در جایگاه که لیاقت آن را دارد، تکیه خواهد زد. در آن زمان است که همان برتری را که الله سبحانه و تعالی آن را بدان بزرگ داشته است، درخواهد یافت. این آیه کریمه از بیداری و دارا بودن ظرفیت و توانایی بی‌کم و کاستی سخن می‌گوید که در گرو عزم و استقامت در پرداختن به اوامر پروردگار امت قرار داشته و به گونه‌ای که امت باید اساساتی را که شریعت اسلامی به معرفی داشته است، مسیر کارکردهای خویش قرار داده و سپس از منکراتی که شریعت اسلام بر رد و تقبیح آن پرداخته است، خویش را بازدارد تا این که به این ترتیب به مسیر مستقیم قرار گرفته و بهترین جایگاه را در میان ملت‌ها از آن خود سازد.

حق سبحانه و تعالی در این آیه کریمه امر به معروف و نهی از منکر را به ایمان به الله مرتبط ساخته و پس از صحبت از برتری امت به بیان مأموریت امر به معروف پرداخته است، زیرا برتری و بیداری همواره متعلق به عمل‌کردها می‌باشد؛ چیزی که از محصولات ایمان بوده و اساساً بر ایمان بنا یافته است. این آیه بیانگر این است که برتری در گرو قواعد اساسی فکری است که چراغ راه عمل‌کردها قرار داده شده و عقیده اسلامی راقاعده فکری امت و معیار اعمال آن خواهد ساخت. بناءً این فرموده حق سبحانه و تعالی بر این مفهوم تاکید بیشتر داشته و بر تأیید آن می‌افزاید:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾

ترجمه: بی‌گمان شما را ملت میانه قرار دادیم تا گواهانی بر مردم باشید و پیامبر نیز بر شما گواه باشد.

بر اساس صراحت این آیه نقش امت این نیز می‌باشد که بر ملت‌های دیگرگواه بوده و دلیل الزامی علیه‌شان باشد، به حسن فهم خود و به تطبیق اسلام در میان خود و حمل آن به سوی ملت‌های دیگری و وادار ساختن آنان به فروتنی در برابر نظام اسلام، اما نه باید از یادبرد که این فروتنی در برابر عقیده اسلامی تحمیلی نبوده؛ بلکه ملت‌ها باید در برابر نظام اسلام مطیع و فروتن باشند، این همان معنی قیمومیت بر اندیشه ملت‌ها است!

معنی شرعی وسطیة عدالت و برتری است، یعنی امت اسلامی امت وسط به معنی امت دارای عدالت و برتری می‌باشد. وسطیة به معنی بینیت در میان دو چیز و یا به معنی ظرفیة نیست. زیرا کلمه وسط در این آیه از وسط به سکون تفاوت دارد، به معنی بینیت در میان دو چیز و یا بمعنی ظرفیة نیست؛ زیرا کلمه وسط در این آیه از وسط به سکون سین تفاوت دارد. زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در یک حدیث صحیح کلمه وسط در این آیه کریمه را به عدالت تفسیر نموده است. چنانچه "ترمیزی" به روایتی از "ابی سعید خدری" می‌گوید: که ابی القاسم نبی صلی الله علیه وسلم در تفسیر این فرموده الله سبحانه (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا... ما شما را امت میانه قرار دادیم...) می‌فرماید: «عدلاً... یعنی ما شما را امت دارای "عدالت" قرار دادیم.» «ابوعیسی» رحمه الله این حدیث را حسن و صحیح بیان داشته است. هم‌چنان کلمه «وَسَطًا» به معنی «عدلاً» و «عدلاً» به معنی «أخیاراً... یعنی برتری» نیز آمده است، "زجاج" به معنی «عدلاً» و "برخی دیگر از علما" به معنی «أخیاراً... برتری» تفسیر نموده اند؛ زیرا این دو کلمه با آن که از دید لفظ متفاوت هم می‌باشند؛ اما معنی واحدی را ارائه می‌دارند، چون عدل خیر بوده و خیر عدل می‌باشد. "بغوی" نیز کلمه «وَسَطًا» به معنی «عدلاً» و «أخیاراً» تفسیر نموده است. "قرطبی" می‌گوید کلمه «وَسَطًا» از ریشه کلمه "وَسَط" به سکون سین که به معنی قراردادن در میان دو چیز است، برگرفته نشده است. "وسطیة، خیریة و یا عدالة القاب تشریفاتی نیستند که به امت داده شده باشد؛ بلکه این‌ها اطلاق‌های اند که باید به مقتضای آن‌ها اقدام شود. گواهی بر ملت‌ها به تطبیق همراه با احسان نظام اسلام، به حمل دعوت برای جهانیان و به واداشتن مردم به فروتنی در برابر نظام اسلام می‌باشد. تمام امت‌ها در کتاب‌های که برای هدایت شان نازل شده است، به زبان پیامبرشان به اجرایی امر به معروف و نهی از منکر فرمان داده شده است، لکن الله سبحانه و تعالی از میان امت‌های دیگر امت اسلامی را به برتری و قیمومیت براندیشه و تفکر بشر برگزیده و آن را به اجرای نقش‌اش در این زمینه مکلف نموده است. به این معنی که امت اسلامی در اقدام به امر به معروف و نهی از منکر مستحق مقام برتری می‌شود.

امت اسلامی از دو فاجعه بزرگ رنج می‌برد: از انحطاط و سپس از افول از جایگاهی که سزاوار آن بوده است. این امت هرگز به ترقی و بیداری دست پیدا نخواهد کرد؛ مگر به سبقت در خیراتی که در این امور نهفته است: فهم دقیق از ایدیولوژی اسلامی، تطبیق و حمل آن برای ملت‌های دیگر. امت اسلامی هرچند ایدیولوژی اسلام را بیشتر فهم نموده، با احسان تطبیق و به گونه استراتژیک، همراه با فداکاری و تلاش لازم حمل نماید، در آن صورت است که به بالاترین مراتب برتری خویش نایل خواهد شد؛ بالاترین مراتبی که باعث رضایت الله سبحانه و تعالی از امت می‌شود. فهم ایدیولوژی اسلامی لازمه بازگشت صفاء و نقاء در فراگرفتن هر فکر اسلامی و بازگشت تبلور در مفاهیم اسلامی می‌باشد؛ به این معنی که امت (هر نظر، فکر و یا حکمی را که فرامی‌گیرد، باید ارتباط

آن را به دلیل آن یعنی کتاب الله و سنت رسول الله برقرار کرده رابطه آن را به وحی حفظ نماید و اگر مبتنی بر قاعده فکری اسلام نبود و دلیل شرعی برگرفته شده از آن نداشت، باید دور انداخته شود. شبهه‌ها، هرآنچه مرتبط به افکار عصر در حال افول و تنزل می‌باشد، دور ریخته شود؛ افکاری که به هدف راه انداز جنگ فکری و تبشیری و تأسیس مدارس سازشگر و عقل‌گرا، به خورد امت داده شده است، مدارسی که نصوص را پیچ و تاب داده و در عوض تغییر واقعیت ذریعه افکار اسلامی، اسلام را مطابق به واقعیت حاکم تفسیر می‌کنند. باید درک و تصویر درستی از قاعده فکری اسلامی در اذهان ایجاد شود، تا نسبت به فکر و طریقه اجرائی آن احساس لازم تولید شده تبلور آن طوری باشد که بسان نقشه مهندسی شده در اذهان ترسیم شود. درک انسان از ایدیولوژی درکی باشد که منجر به عمل شود؛ بگونه که فکر دیگرگونی کاملی را در شخص ایجاد کند، زیرا در آن صورت است که فکر می‌تواند در ساختار شخصیت‌ها و جامعه‌ها عرض اندام کرده، بالای فضا حاکمیت و انقلاب مورد نیاز را در افکار عمومی ایجاد کند.

آنچه را که باید خاطر نشان کرد، این است که ایدیولوژی اسلامی شالوده‌ای از عقیده و نظام زندگی می‌باشد. برخی از این ایدیولوژی مانند عقاید، عبادات، اخلاقیات، خوردنی‌ها، پوشیدنی‌ها، خودداری از حرام، تغییر منکر، کارنمودن در احزاب سیاسی برای تغییر، امر به معروف، نهی از منکر و احکام واجبه‌ای دیگری مانند این، با مراعات عینی بودن و کفایی بودن وجوب آن‌ها، در هر حال در بودن و نبودن خلافت، مسلمانان بگونه فردی به تطبیق آن اقدام می‌کنند. اما در بودن خلافت، علاوه بر مکلفیت‌های که مسلمانان من حیث فرد از جانب خلافت ملزم به انجام آن‌ها می‌شوند، تطبیق این قسمت از ایدیولوژی اسلام آسانتر می‌باشد.

اما بخش بزرگ اسلام هرگز بدون دولت اسلامی نمی‌تواند تطبیق شود. برای تطبیق این بخش از اسلام باید قدرت، حاکمیت و قضاوت در دولت به گونه‌ای کامل در اختیار خلیفه و اداره دولت باشد، تا این که خلیفه و اداره حکومتی آن با رعایت مصلحت مطابق احکام اسلام در سیاست داخلی دولت اسلامی بتوانند احکام اسلام را در داخل جغرافیای اسلام تطبیق نمایند. بگونه مثال معاملات تنظیم، حدود را جاری، مجازات‌ها را تنفیذ، از اخلاقیات پاسداری، از عمل به شعائر و عبادات ضمانت و به امور امت و تبعه دولت رسیدگی نمایند. خواه این امور مربوط به رابطه ویژه دولت با مردم و یا رابطه ویژه مردم با دولت باشد؛ مانند: حسابدگی و محاسبه دولت، تشکیل مجلس امت، ایجاد کمیته مظالم، تأسیس اداراتی برای مدیریت مصالح رعیت و تعیین والی‌ها، کارمندان، معاونین و محتسبین. خواه مربوط به روابط مشترک میان دولت و مردم باشد؛ مانند: نصیحت حکام، امر به معروف و نهی از منکر، پاسبانی از عقیده و دین، به نشر و پخش علم، مبارزه با جهل و بدعت، سیاست رسانه‌ای، از بین بردن دشمنی‌ها و ایجاد زمینه‌ای برای برخوردار شدن مسلمان‌ها و ذمی‌ها از کلیه حقوق، بهره‌مندی از ثروت و از امکانات عمومی دولت، تأمین نیازهای اساسی آن‌ها از ایجاد جامعه بر اساس همکاری، برادری و ایثار متقابل، برقراری امنیت، ایجاد بازارها، مساجد، بیمارستان‌ها، تأسیس مراکز تحقیقاتی و تهیه امکانات، ایجاد سدها و کارهای زیربنای دیگری از این قبیل و نشان دادن شیوه زندگی اسلامی در بهترین شکل آن به عنوان بهترین نمونه درخشانی که فضیلت و ارزش والای را باخود داشته و ابزاری اساسی برای حمل دعوت اسلامی به دیگران می‌باشد. قابل ذکر است که رعایت این حقوق و ملاحظه این امور از جانب دولت جنبه قانونی و اجباری دارد؛ نه معنوی و در سیاست خارجی دولت اسلامی بتواند در حوزه رسیدگی به روابط بین‌المللی، یعنی روابط گروه‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها با یکدیگر، احکام مربوط به معاهدات، جهاد، قوانین جنگی، فرستادگان و سفارتخانه‌ها به اجراء بگذارد؛ از قبیل تأسیس اداراتی که به توسعه صنایع، و تنفیذ سیاست‌ها و تصامیم مربوط به سیاست خارجی، چه این اداره دولتی باشد و چه غیر دولتی، به نمایندگی از احزاب سیاسی، طبقات

و مراکز سیاسی. سیاست‌های مانند انعقاد معاهدات، حمل دعوت و پخش و گسترش اسلام، تنظیم جهاد و راه اندازی جنگ و تأمین تدارکات مربوط آن مانند ساخت صنایع ثقیله، تأسیس کارخانه‌ها و استخراج منابع طبیعی، برقراری روابط بین المللی با دولت‌ها و سایر طرف‌های بین المللی برای تحقق اهداف دولت اسلامی در صحنه بین المللی و در زمینه پخش و گسترش اسلام و اتخاذ تصمیم بین المللی، مراقبت و توجه ویژه بر امور دولتی با تحقیقات تأثیرگذار برای امت و تعقیب و همراهی وقایع، تعاملات و زد و بندهای که در حوزه مطالعات سیاسی، استراتژیک، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظم جهانی آن‌ها را تجربه کرده است. اتخاذ تدابیر لازم برای تأمین منافع امت، طرح برنامه‌های لازم برای حمل دعوت و پخش و نشر اسلام و مراقبت از منافع اتباع خارج از دارالاسلام. هم‌چنان باید برای تطبیق نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، تعلیم و تربیه و سایر آنچه تطبیق آن به دین از دولت امکان پذیر نیست، قدرت، حاکمیت و قضاوت در دولت به گونه‌ای کامل در اختیار خلیفه و اداره دولت باشد!

اما در مورد اصل حمل ایدئولوژی اسلامی باید گفت که هر امتی از امت‌های که الله سبحانه و تعالی برای شان رسول فرستاده است، آن‌ها را به امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به الله سبحانه دستور داده است. اما الله سبحانه و تعالی این امت را از میان امت‌های دیگر برگزیده و آن را بهترین امتی قرای داده است که برای هدایت مردم دست همت به کمر زده و مأمور شده است تا ایدئولوژی اسلامی را برای تمام بشریت حمل کند. این امت مأمور شده است که بر اساس این ایدئولوژی بالای بشریت حکومت کرده و بشریت را از دست به دامان طاغوت شدن درو نگهدارد، چنانچه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطُّغُوتَ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ﴾

[نحل: 36]

ترجمه: ما به میان هر ملتی پیامبری فرستاده‌ایم که الله را بپرستد و از طاغوت دوری کند. الله گروه از مردم را به راه راست هدایت داد و گروه از ایشان گمراهی بر آنان واجب گردید، پس در زمین گردش کنید و بنگرید و ببینید که سرانجام کار کسانی که تکذیب کرده اند به کجا کشیده است.

بنابر این برتری امت در گرو فهم، تطبیق و حمل ایدئولوژی اسلام برای تمام بشریت است. برتری امت در گرو این است که روابط و عمل کردهایش بر مبنای نظام اسلام بوده و برگرفته از ایدئولوژی اسلامی باشد. این درحالی است که نقش دولت اسلامی در تمام این موارد محوری و اساسی است. همان طور امت نیز جایگاهی را که منجر به رضایت الله سبحانه می‌شود، بدون داشتن دولت اسلامی به دست آورده نخواهد توانست.

به این ترتیب امت می‌تواند که جایگاه سزاوار خود را که عبارت از برترین امتی می‌باشد که وظیفه هدایت مردم را بدوش دارد، به دست آورد و گرنه در غیر این صورت از جایگاه خویش افول کرده، به وسیله هر طمع کننده غارت می‌گردد، ملت‌ها یکدیگر را به

خوردن خوراک آن فراخوانده و دارائی‌هایش را بغارت می‌برند. تمدن اسلام را لگدمال و بشریت را به عوض این که از تاریکی‌ها به سمت روشنی سوق دهند، آن را به سمت تاریکی می‌کشاند!

یادبود واقعی پیام و مفهوم هجرت سرنوشت‌ساز رسول الله صلی الله علیه و سلم، هجرتی که با تمام بزرگ‌داشتی فروتنانه در برابرش سرفرومی‌آوریم. بزرگ‌ترین یادآور از نقش واقعی امت اسلامی که عبارت از نقش رهبری در جهان است می‌باشد؛ یادآور خوبی است از دست رد زدن رسول الله صلی الله علیه و سلم به سینه هرآنچه نوعی از انواع در آمیخته شدن به باطل بود. هم در آغاز مسیر و هم در وسط و انتهای آن؛ یادآور خوبی بر امتناع رسول الله صلی الله علیه و سلم از راه حل وسط حتی در مهلک‌ترین حالات ناتوانی و نیازمندی می‌باشد، زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم برای ما چنین آموخته بود که میان حق و باط جز باطل چیزی دیگر نیست و اینکه اگر حق به اندازه سرانگشتی هم از موقف خود به سمت باطل پایین آید، نمی‌توان آن را حق صفت کرد. این یادبود یادآور پیام و مفهوم واقعی هجرت پر افتخار رسول الله صلی الله علیه و سلم است و آن این که امت باید قضیه اسلام، سروری، رهبری و زندگی برای اسلام و مطابق به اسلام را قضیه سرنوشت‌ساز خود دانسته و هر فرد از امت مسئولیت حمل آن را به دوش گیرد، همانگونه که رسول الله صلی الله علیه و سلم و صحابه‌ای بزرگوار برای اسلام و مطابق آن زندگی نمودند. امت باید ارزش‌های فرسوده‌ای که دسته‌ای از سیاسیون بی‌همه چیز را درو اندازد، سیاسیونی که از فرط دوییدن در عقب برنامه‌های سازمان ملل و دولت‌های استعماری غارت‌گر، خبیث و پرطمع، از نفس افتاده اند. ما برای تبدیل شدن به بهترین امتی که برای هدایت بشریت کمرمی‌بندد، پرورش یافتیم، ما به دنبال حق و یا موقعیت خود نیستیم، ما نمی‌خواهیم از طریق اختلاس آن‌ها را بدست آوریم.

ما بهترین امتی هستیم که هرگز راضی نخواهیم شد که بسان تخم مرغی در زیر بال پهن شده‌ای ملت‌های دیگر باشد. این امت برای بشریت بهترین رسالتی را حمل می‌کند که آن را نیرومند می‌سازد تا با تمام قوا در مقابل اقتدار تمدن غربی قرار گرفته و بشریت را از پرستش بندگان باز داشته به پرستش پروردگارشان وادارد، آنان را از بی عدالتی ادبان و فشار دنیا نجات داده زیر چتر عدالت اسلام و فراخی دنیا و آخرت قرار دهد؛ به وسیله دولت اسلامی بر آن‌ها حکمرانی کند. دولتی که رسول الله صلی الله علیه و سلم و صحابه 13 سال در مکه در راستای تأسیس آن تلاش نموده و در این راه با بلاها و شکنجه‌های بسیار طاقت‌فرسای روی در روی شدند تا امکان داشت، آزار و اذیت شدند، شکنجه‌هایی را متحمل شدند که کوه‌ها از تحمل آن عاجز بود؛ در پشت شان گودال‌های از آتش حفر شده بود، با آهن‌های به آتش سرخ شده بدن‌های شان بریان می‌شد، تازیان‌های که بر آن‌ها فرود می‌آمد، از اندک رحمی برخوردار نبود؛ از اثر شکنجه‌های طولانی مدت بالای سنگریزه‌های سوزان در تابستان‌های سوزان می‌سوختند؛ برخی شهید و بسیاری هجرت نموده و از سرزمین و خانواده خود بریدند. پشت سرشان خانه و مال شان به وسیله دشمن غارت می‌شد؛ شب را شب نگفته و روز را روز نگفته به تلاش‌های بی‌مانند خویش مسیرشان را ادامه دادند تا الله سبحانه و تعالی به آن‌ها اجازه تأسیس دولت داده و عده استخلاف، توانمندسازی و امنیت خود را برای مستضعفین محقق ساختند.

نقش امت در جهان در گرو دولتی بسان دولتی می‌باشد که رسول الله صلی الله علیه و سلم آن را در زمان هجرت خویش به مدینه تأسیس نمود! **والحمد لله رب العالمین**

مترجم: علی مطمئن